

اساسی فعلی متفاوت و بسیار بیشتر با منافع ملی منطبق بود، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و طی جزو ای بندبند آن اصول را بررسی و اصلاحات لازم را رائمه داد و در معرض قضاوت جامعه گذاشت.

ما در همان زمان احساس کردیم که تضادهای وجود دارد یعنی در عین حالی که در مقدمه قانون اساسی به اراده ملت اشاره گشته در جای جای قانون اساسی به گونه های مختلف در جهت نفع اراده مردم و اصل برخاستگی حکومت از اراده مردم، توسط جریان و گروه خاصی اعمال نفوذ گشته است.

بنابراین در شرایط موجود کشور، که مادر بحرانی ترین وضعیت ممکن در درون و بیرون قرار داریم و کشوری هستیم که با وجود داشتن بهترین شرایط استراتژیک و رژیوپولیتیک فرهنگی بسیار مناسبی را از دست داده ایم چاره ای نخواهیم داشت جزء اینکه همه نیروی خود را صرف ایجاد دگرگونی های بنیادین و ساختاری در قانون اساسی کنیم تا قانون اساسی و به تع آن سایر قوانین داخلی در چارچوب منافع ملی و اصول حقوق بشر بیانگر اراده و حاکمیت ملی گردد تا تمامی ارگانها، سازمانها و نهادهایی که در چارچوب آن شکل می گیرند خود را موظف به رعایت این موازین و اصول بنمایند.

زعیم: بند ۲۱ ماهه ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تنها مورد متناقض با قوانین جمهوری اسلامی ایران نیست، خود قانون اساسی ما مجموعه ای از تناقضات است ما موادی داریم که مربوط به حقوق شهروندان، مطبوعات و... می باشد که در عمل اجرانمی گردند و از سوی دیگر موادی در قانون اساسی وجود دارد که صراحتا حقوق شهروندی را نفعی می کند و بسیاری از بندهای قانون اساسی در تناقض با اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

حاتمی: اگر بین قانون اساسی و قوانین عادی کشورها با منشور ممل متحد یا اعلامیه جهانی حقوق بشر و ملحقات آن تعارض آشکار وجود داشته باشد از نظر مجامع این المللی کدامیک از آنها دارای اعتبار حقوقی و قانونی می باشد. آیا نباید این قوانین به گونه ای اصلاح شود که با منشور اعلامیه جهانی حقوق بشر مطابق گردد.

دادخواه: این پرسش یک مسئله شایع حقوق بین الملل عمومی را در برداشت و نگرشهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد ولی نظر مقبول امروز در بخش تعهدات حقوق بین المللی که یکی از شاخص ترین و مهمترین بخش‌های حقوق بین

خدمان پاییند نیستیم چگونه دم از گفتگو تمدنها می زنیم مثلاً فردی که دارای برگ عدم سوپیشینه است و از سواد قابل قبول عرفی نیز برخوردار باشد باشد و از اقبال عمومی نیز برخوردار می باشد گردد ولی در عمل می بینیم که چنان دسته بندی و غریال گری صورت می گیرد که بسیاری از افراد از این حق بدیهی و ابتدایی محروم می شوند.

دادخواه: اینکه سازمانهای مختلف حقوق بشری به ما ایراد می گیرند و فعالان حقوق بشر بارها اعتراضات متعددی به روش و منش قدرتمنداران حکومت ایران اعلام داشته اند ناشی از همین برداشت‌های بدون مطق است که انجام می گیرد.

اینکه سازمانهای مختلف حقوق بشری به ما ایراد می گیرند و فعالان حقوق بشر بارها اعتراضات متعددی به روش و منش قدرتمنداران حکومت ایران اعلام داشته اند ناشی از همین برداشت‌های بدون مطق است که انجام می گیرد.

ورجاوند: بحث درباره ساختار قانون اساسی ایران و انطباق آن با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر بحث طولانی و رویشه داری است که حداقل در طی ۲۷ سال گذشته مطرح بوده است. من می بایست در اینجا یادآوری کنم که برخلاف هیجانات ایجاد گشته در جامعه در سال های

ورجاوند: در سال های آغازین انقلاب، تنها سازمانی که کوشید هوشیارانه، با مسئله بطور احساسی برخورد نکند و مسائل جامعه با دید گسترده بررسی نماید جبهه ملی ایران بود، زمانی که پیش نویس قانون اساسی منتشر شد که زمین تا آسمان با قانون اساسی فعلی متفاوت و بسیار بیشتر با منافع ملی منطبق بود، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و طی جزو ای بندبند آن اصول را بررسی و اصلاحات لازم را ارائه داد و در معرض قضاوت جامعه گذاشت.

آغازین انقلاب، تنها سازمانی که کوشید هوشیارانه، با مسئله بطور احساسی برخورد نکند و مسائل جامعه را با دید گسترده بررسی نماید جبهه ملی ایران بود، زمانی که پیش نویس قانون اساسی منتشر شد که زمین تا آسمان با قانون

گردد، امکان اجرای مفاد اعلامیه حقوق بشر وجود ندارد، چون در قوانین آن اشاره به مفاد اعلامیه نشده است. در اینگونه کشورها باید تغییرات بنیادین ساختاری صورت بگیرد، یعنیکه برای حفظ صداقت، امضای خود را پس بگیرند و حداقل صداقت خویش را نسبت به سازمان ملل و جامعه بین المللی ثابت کنند.

حاتمی: در بند ۳ ماهه ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: "اراده مردم، اساس قدرت حکومت است این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری صورت می پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و رای مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رای را تامین کند. این موضوع با قانون اساسی جمهوری اسلامی در تناقض آشکار می باشد و حداقل در انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم با آن سازگاری نداشته است. آیا این عدم پاییندی به موازین اعلامیه حقوق بشر در مشروعیت حکومت در صحنه جهانی تاثیری دارد یا نه؟

دادخواه: در این خصوص باید بگوییم که نسبت به قانون اساسی برداشتها و استنباطهای متفاوتی وجود دارد بخصوص در مقدمه قانون اساسی که چون بطور همزمان به همه پرس؟ گذاشته شده است و باید ما آنرا جزء و در زمرة قانون اساسی بدانیم صراحتا ذکر گشته است که حکومت ناشی از اراده مردم است که یک استنباط در جهت منافع گروهی و شخصی بوجود آمده که این اصول بنیادی را که رویشه در فطرت آدمی و تمدن کهن ایرانی دارد را نادیده می گیرد و بعلت حفظ منافع یک گروه خاص این روش را در مقابل اجرای آن اصول که تعابیری بشرگرایانه را داراست را انتخاب می کند.

همانطور که در سوال پیش هم گفته شد متساقن از عمل شاهد آن هستیم که نه تنها این اصول نادیده انگاشته می شود بلکه بسیاری از اصول قانون اساسی هم اصلاً توجه نمی گردد به عنوان نمونه در اصل ۱۶۸ ذکر می شود که محاکمات سیاسی و مطبوعاتی باید به طور علنی و با حضور هیات منصفه در دادگاه های عمومی صورت گیرد ولی این محاکمات در دادگاه انقلاب بطور غیرعلني و بدون حضور هیات منصفه برگزار می گردد.

اما اینکه عدم رعایت این موازین باعث سرشکستگی و ازدواج ایران از جهت سیاسی و به تبع آن از جهت اقتصادی شده است هیچ جای تردیدی نیست وقتی که ما به موازین و قوانین